

ترجمه احسان لامع  
زهرة روزبهانی

زیگموند فروید

# تفسیر خواب

م  
شرکت

## فهرست

۱۱	فصل اول: تاریخچه مسائل مربوط به خواب
۱۵	الف: ارتباط بین رویا و حالت بیداری
۱۷	ب. موضوع رویا و خاطره در رویاها
۲۵	پ: منابع و محرک رویا
۲۶	محرک حسی خارجی
۳۲	محرک حسی داخلی (ذهنی)
۳۵	محرک‌های جسمانی درونی (ارگانیک)
۳۹	منشأ روانی تحریک
۴۱	ت. چرا رویاها پس از بیداری فراموش می‌شوند؟
۴۴	د. ویژگی‌های روانی رویاها
۵۳	ر. زمینه اخلاقی رویاها
۶۱	ز. نظریه‌ها و عملکرد رویاها
۷۱	س. ارتباط بین رویاها و بیماری‌های ذهن
۷۴	پس از تحریر ۱۹۰۹:
۷۶	پس از تحریر ۱۹۱۴:
۷۷	فصل دوم: روش تفسیر خواب

مدخل	۸۴
تحلیل	۸۶
فصل سوم: رویا تحقق خواسته‌ها و آرزوهاست	۹۹
فصل چهارم: جابه‌جا شدن عناصر در رویا	۱۰۷
فصل پنجم: مواد و منابع رویاها	۱۲۹
الف. عناصر متفاوت و جدید در رویا	۱۳۰
ب. تجارب کودکانه به مثابه منبع رویاها	۱۴۴
ج. منبع جسمانی رویا	۱۶۳
د. رویاهای نمونه‌وار	۱۷۸
فصل ششم: عمل رویا	۲۰۳
الف: مکانیزم تراکم	۲۰۴
ب. عمل جابه‌جایی	۲۲۲
ج. روش نمایش در رویاها	۲۲۵
د. با توجه به بازنمایی‌پذیری	۲۴۵
ر. بازنمایی رویاها از طریق نمادها	۲۴۹
۱. کلاه نماد مرد (آلت تناسلی مرد)	۲۵۴
۲: کوچولو	۲۵۵
۳. بازنمایی اعضای تناسلی به طریق ساختمان‌ها، پلکان و چاه‌ها	۲۵۷
۴. ارگان مرد، نماد افراد و ارگان زن نماد منظره طبیعی	۲۵۸
۵. رویای اخته کردن کودک	۲۵۹
۶. رویای راه پله تعدیل شده	۲۵۹
۷. یک رویای پلکان: نقل و تعبیر از اوتو رانک	۲۵۹
۸. یک رویای تغییر یافته	۲۶۲
۹. احساس واقعیت و بازنمایی تکرار	۲۶۲
۱۰. مقام کنایه‌ها و رموز در خواب‌های اشخاص سالم	۲۶۳
۱۱. نمونه رویای تغییر یافته اودیپ	۲۷۴
ز. چند نمونه از محاسبه‌ها و گفتارها در خواب	۲۷۹
س. رویاهای پوچ: اجراها/عملکردهای فکری در رویاها	۲۹۰

ش. عواطف در رویاها	۳۱۴
ر. بررسی ثانوی	۳۳۵
فصل هفتم: فرایند رویا	۳۵۱
الف. فراموشی رویاها	۳۵۳
ب. واپس‌گرایی	۳۶۲
ج. تحقق آرزو/میل	۳۷۲
د. بیداری ایجاد شده از طریق رویاها	۳۸۸
فرایندهای اولیه و ثانویه-سرکوب	۳۹۹
ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه واقعیت	۴۱۳
منابع	۴۲۳
نمایه	۴۲۳

## فصل اول

### تاریخچه مسائل مربوط به خواب

#### مقدمه

در این کتاب نشان خواهیم داد روشی روان‌شناختی وجود دارد که تعبیر رویا را میسر می‌سازد و با این شیوه، رویا به مثابه یک ساختار روانی (ساختاری مملو از معنا) جلوه می‌کند که معنی آن کاملاً آشکار است و می‌توان آن را ادامه فعالیت‌های روانی عالم بیداری قلمداد کرد. همچنین تلاش می‌کنم تا فرایندهایی را روشن سازم که بر غرابت و پیچیدگی‌های خواب تأکید دارد و از این فرایندها ماهیت قوای روانی‌ای را که تعارض یا تداخل آن‌ها خواب را پدید می‌آورد، استنباط می‌شود. در این تلاش بررسی‌های من در نقطه‌ای به پایان می‌رسد که موضوع رویا در مسائل جامع‌تری ادغام می‌شود و برای حل آن‌ها باید دست به دامان اطلاعات مختلفی شویم.

کتاب را با گزارش کوتاهی از آثار نویسندگان پیشین درباره موضوع و وضعیت مسئله‌ی رویا در علوم معاصر آغاز می‌کنم؛ هرچند فرصت کافی برای اشاره به هر یک از آن‌ها در خلال کار نخواهد بود. با وجود هزاران سال تلاش، پیشرفتی در فهم علم رویاها صورت نگرفته است. حقیقت این است که محققان قبلی هم این موضوع را تأیید کرده‌اند که ظاهراً بیان نظرات و عقاید شخصی ضرورتی ندارد. خواننده در مطالب پایانی آن دسته از کتاب‌ها با مشاهده‌هایی کلی روبه‌رو خواهد شد اما، از ماهیت واقعی رویا یا حل معماهای آن چیزی نمی‌گویند. هرچند اشخاص تحصیل کرده هم چیزی از این موضوع نمی‌دانند.

مفهوم رویا که ماقبل تاریخ از طرف مردمان اولیه مطرح شد و به شدت بر شکل‌گیری مفاهیم کیهانی و روحی تأثیر گذاشت، از مسائل مهم و جالبی است که در حال حاضر از پرداختن به آن خودداری می‌کنم. هرچند موضوع ذکر شده در کتاب‌های اسپنسر و ا.ب. تیلور و سیر پ. لوبوگ به تفصیل آمده و بسیار جالب است. من تنها اضافه خواهم کرد که ما به اهمیت مسائل و حدس و گمان‌ها پی نخواهیم برد؛ مگر اینکه وظیفه تفسیر رویا را که از پیش به ما محول شده، به خوبی تکمیل کنیم. بی‌شک اعتقادات مردمان پیش از تاریخ، درباره رویا، در برداشت انسان‌های باستان بازتاب یافته است.<sup>۱</sup> آن‌ها فرض می‌کردند که رویاها به جهان ماورا طبیعی باورهایشان مربوط می‌شود و رویاها از خدایان و شیاطین الهام گرفته شده‌اند. به علاوه به نظر می‌رسد رویا به منظور اهداف خاص رویابین ایجاد شده و آینده را پیش‌بینی می‌نماید. عقاید مطرح شده به یک روش اصولی منجر نشد؛ زیرا تنوع عجیب محتوای رویا و اثراتی که باقی می‌گذاشت، ظهور یک مفهوم منسجم را مشکل می‌کرد و موجب پیدایش اختلافات گوناگون می‌شد که هر کدام از لحاظ ارزش رویا و اعتقادی که الهام می‌کرد، با دیگری اختلاف داشت. نیاز به گفتن این نکته نیست که عقیده فیلسوفان قدیم درباره خواب به ارزشی که ایشان به‌طور کلی به پیش‌گویی در دستگاه فلسفی خود می‌داده‌اند مربوط می‌شود.

در دو اثر ارسطو که به رویا می‌پردازد جنبه روان‌شناسی رویا نشان داده می‌شود. آنجا گفته شده که رویا از طرف خدایان فرستاده نشده است؛ رویا برگرفته از الهام نیست و ریشه شیطانی دارد. در نتیجه می‌توان گفت رویا وحی نیست بلکه، با قوانین روان انسان مرتبط است. رویا به‌مثابه فعالیت روانی رویابین تعریف می‌شود که در خواب حاصل شده است.

ارسطو به برخی ویژگی‌های رویا پی برد و دریافت که رویا محرک‌های هنگام خواب را به احساسات شدید تبدیل می‌کند. به‌طور مثال شخص در خواب می‌بیند در آتش راه رفته و به شدت احساس گرما می‌کند؛ در حالی که در واقعیت، فقط بخش‌هایی از بدن او گرم شده است. این امر باعث شد تا او نتیجه بگیرد که خواب قادر است اولین علامت‌های تغییر در بدن را به پزشک اطلاع بدهد؛ تغییری که هنگام بیداری آشکار نیست.<sup>۲</sup>

همان‌طور که گفته شد، نویسندگان باستان پیش از ارسطو رویا را نه تنها محصول روان بیننده رویا بلکه، منشأ الهی می‌دانستند و در دوران باستان دو دیدگاه متضاد در تفسیر رویا رایج بود. آن‌ها بین رویاهای واقعی و باارزش‌تمایز قائل شده‌اند که به‌مثابه هشدار به رویابین یا پیش‌گویی درباره رویدادی در آینده بوده است. برخی رویاها نیز پوچ و بی‌معنی با محتوای فریب‌دهنده و خالی بوده‌اند

که باعث سردرگمی و تخریب شخص نیز می‌شوند. گروه<sup>۱</sup> درباره دسته‌بندی رویاها صحبت کرده و به گفته‌های ماکروبیوس<sup>۲</sup> و آرتیمیدورس<sup>۳</sup> استناد می‌کند: «خواب به دو دسته تقسیم شده بود؛ دسته‌ای که ریشه‌شان در زمان حال یا گذشته بوده و به‌هیچ‌وجه از آینده خبری نمی‌داده‌اند. این دسته شامل دو گونه رویا بود؛ اول، عده‌ای که حالت جسمانی یا عکس آن را به رویابین می‌نمایاند؛ به‌طور مثال حالت گرسنگی یا سیری را و عده‌ای یک حالت جسمانی را بزرگ جلوه می‌دادند؛ مانند کابوس‌ها. از طرف دیگر دسته دوم از خواب‌ها خبر از آینده می‌دادند و شامل سه گونه بودند:

۱. نوع غیب‌گویی مستقیم بود که در عالم خواب به شخص الهام می‌شد؛

۲. پیش‌گویی حادثه‌ای که در آینده به واقعیت تبدیل می‌شد؛

۳. دیگری خوابی رازآمیز بود که احتیاج به تفسیر داشت.

این نظریه‌ها تا قرن‌ها پایدار بود.

همین ارزیابی متغیر رویا، مسئله تفسیر رویا بود. در کل از رویاها انتظار می‌رفت راه‌حل‌های مهمی ایجاد کنند؛ اما هیچ‌یک از رویاها به سرعت قابل درک نیستند. در این شرایط نمی‌شد گفت که آن رویای مبهم بی‌مفهوم است و این مورد باعث شد تا مفسران در پی یافتن مفاهیمی برای رویاهای مبهم برآیند و مفاهیم معنی‌دار و قابل فهم را جایگزین آن کنند. رویاها در این حالت باید کاملاً قابل درک و مهم باشند. در طول دوران باستان، آرتیمیدورس دلدایی<sup>۴</sup> یکی از افرادی بود که تحقیق گسترده‌ای درباره تفسیر رویا انجام داد. آثار جامع او کارهای ناقص ما را در زمینه مشابه<sup>۵</sup> جبران می‌کند. برداشت پیش‌علمی از رویا کاملاً مناسب بود با فلسفه آن زمان. چه این فلسفه حقایق صرفاً ذهنی را به عالم خارج منعکس می‌ساخت بر این اساس می‌توان به واقعیت بعد روانی نیز پی برد. بررسی رویا در حالت بیداری و در روز صورت می‌گیرد. زیرا در این خاطرات، خواب در مقابل محتویات خودآگاهی با وجدان ما قرار می‌گیرد و در مقابل آن مثل یک چیز خارق‌العاده که محصول دنیای دیگری است جلوه می‌کند. البته اشتباه است تصور کنیم که در عصر حاضر نظریه منشأ الهی رویاها طرفدارانی ندارد.

برخی محققان عرفانی و مذهبی به این مسئله اشاره کرده‌اند و سعی دارند به وجود نفوذ نیروی روحانی فوق انسانی در مسأله خواب و خواب دیدن تأکید کنند و از زحمت توضیح دادن این جنبه توضیح‌ناپذیر رها شوند و برخی دیگر جدای اعتقادات مذهبی‌شان تلاش می‌کنند هم به جنبه معنوی خواب و هم طبیعت کشف‌نشده و غیرقابل توضیح رویا بپردازند. (هافنر).

1. Gruppe

2. Macrobius

3. Artemidorus

4. Artemidorus

۵. برای مطالعه بیشتر درباره تاریخ تفسیر خواب به دیکن، ام فورستر، گوتهارد و سایرین مراجعه کنید.

۱. این گفته از مقاله خواب و تعبیر خواب در دوران باستان (برلین، ۱۸۶۸) اثر بوخنشوتز اقتباس شده است.

۲. رابطه بین رویاها و بیماری در فصلی از اثر مشهور بقراط بحث شده است.

اعتبار شرح داده شده درباره بعد رویا برگرفته از مکاتب فلسفی غیر قابل انکار است؛ به طور مثال مکتب شلینگ. این مکتب متمایز از عقاید بی چون و چرای الوهیت که به عصر باستان باز می گردد نیست. بررسی پیش گویی و پیش بینی رویا از گذشته وجود داشته و همچنان قابل بررسی است. حقیقت این است که توضیحات ارائه شده توسط روان شناسی کافی نبوده و منطبق با مسائل مطرح شده مبنی بر تأثیر دیدگاه های مذهبی و فرانسائی در مسئله تفسیر رویا نیست؛ اگر چه متفکر علمی ممکن است تصور نماید که چنین آموزه های خرافی ای باید رد شود.

نوشتن گزارشی از اطلاعات علمی مسئله رویا به شدت دشوار است؛ زیرا با وجودی که در برخی جزئیات کارهای ارزشمندی انجام شده است، ولی در کل کارهای علمی انجام شده قابل توجه نیست و پیشرفت مورد تأییدی نداشته است. موفق نشده اند به نتایج قابل قبولی دست یابند تا دیگر محققان بتوانند این مسیر را بر پایه آن ادامه دهند. هر نویسنده ای از ابتدا به تحقیق در مورد همان موضوعات قبلی می پردازد؛ به طوری که اگر من می خواستم به ادامه کار مؤلفان پیشین قانع باشم و به شرح مباحث تحقیق آن ها بپردازم، بر من واجب می شد که از ارایه گزارشی کلی مربوط به اطلاعات امروز درباره مسأله خواب صرف نظر بکنم. به همین سبب ترجیح می دهم به افکار هدایت کننده بپردازم. من باید بگویم که نتوانسته ام به طور آشکار تصویر کاملی از حالت دانش فعلی خود را روی شخص ترسیم کنم؛ بنابراین فقط نگاهی کلی بر برخی از اساسی ترین و مهم ترین حقایق می اندازم و به روش بررسی خود اشاره می کنم نه محققان دیگر.

البته همان طور که در ارزیابی کل مقاله موفق نبوده ام، بیشتر به دلیل وسعت زیاد و درهم آمیختگی متون با سایر موضوعات، از خوانندگان می خواهم از پژوهش حاضر راضی باشند؛ مشروط بر اینکه سعی کرده ام واقعیت اصلی یا نگرش مهمی را در این راستا نادیده نگیرم.

تا همین اواخر محققان زیادی به بررسی مسائل خواب و رویاها علاقه نشان داده اند و همگام با این شرایط مشابه، ماهیت روانی-فیزیولوژیکی رویا را نیز بررسی کرده اند. به علاوه آن ها سایر پدیده های شبیه به رویا را نیز بررسی کرده اند؛ به طور مثال توهم و دید. از طرف دیگر در مقالات اخیر این موضوع مورد توجه بیشتری قرار گرفته و مسائل و مشکلات زندگی - رویا نیز بررسی شده است. من در این کتاب باید به خوبی به شرح این مسئله پرداخته و مسائل و مشکلات ایجاد شده و مرتبط با این موضوع را حل کنم. این امر تنها از طریق بررسی های تفصیلی حاصل می شود. چنین تحقیقات و بررسی هایی در زمینه روانی خاصی صورت گرفته و در صفحات بعدی شرح داده می شود. چیزی که مایل به ارائه آن هستم، یکی از همین پژوهش هاست که مربوط به روان شناسی است.

تحقیق علمی در مورد رویاها باعث شده است تا به بررسی مسائل زیر پرداخته و به طور مستقل آن ها را ارزیابی کنیم.

#### الف. ارتباط بین رویا و حالت بیداری

قضایات ساده رویایی به هنگام بیداری فرض را بر این می گذارد که رویا در صورتی که برگرفته از دنیای دیگر نباشد، باز به مثابه رویدادهایی تلقی می شود که رویایی در عالم دیگر آن را دیده است. روان شناسی قدیمی به نام بورداخ گفته است: ما درباره پدیده رویا صحبت کرده و توضیح متمایزی در این زمینه ارائه می دهیم. عبارت متقاعد کننده ای در این راستا مطرح شده است: ما در طول روز از زندگی لذت برده و احساس شادی و درد می کنیم. آن ها هرگز دوباره تکرار نمی شوند، در مقابل، رویا ما را تسکین می دهد. حتی وقتی کل فکر ما به یک موضوع معطوف شده است یا وقتی قلب بر اثر یک اتفاق غم انگیز جریحه دار شده است، ما سعی می کنیم ظرفیت فکری خود را بالا ببریم؛ رویا چنین چیزی را به ما داده یا ما را در انتخاب و پذیرش برخی واقعیت ها کمک می کند. البته کمتر پیش می آید باعث دگرگونی حال ما شود. برخی رویاها در واقعیت نمادین هستند. جی. ایچ. فیخته<sup>۱</sup> خواب را یکی از حسن های پنهان ذهن به حساب می آورد که به خودی خود درمان می شود. ال. استرومپل<sup>۲</sup> نیز در کتاب خود به توضیح اثرات گفته شده پرداخته است: «کسی که خواب می بیند، از عالم خود آگاهی بیدار منحرف می شود.» و در ادامه آورده: «حافظه مربوط به اطلاعات منظم و روش عادی خود آگاهی در هنگام خواب از بین می رود.» و «روح در هنگام خواب جدا از خاطرات عادی و روش هنگام بیداری است.»

بسیاری از محققان برای حل این مسئله ارتباط رویا با بیداری را تأیید کرده اند. مثلاً هافنر گفته: «رویا زندگی در حالت بیداری را ادامه می دهد؛ و رویاهای ما معمولاً ما را به محتویاتی که در خود آگاهی ما وجود داشته اند، مرتبط می کنند. یک بررسی دقیق همیشه این موضوع را تأیید می کند که رویاها به حوادث روی داده در روز قبل مربوط است.» ویگانت<sup>۳</sup> نظریه بورداخ را اشتباه می داند و این گونه بیان کرده است: «در بیشتر موارد آشکار است که به جای آنکه خواب ما را از این دنیای عادی و معمولی رها کند، دوباره ما را به همین عالم باز می گرداند.» موری در این خصوص بیان می کند که: «ما خواب گفته ها و آرزوها و خواسته ها و کرده های خود را می بینیم.» جیسن در کتابش به نام روان شناسی که در سال ۱۸۵۶ منتشر شده با صراحت می نویسد: «محتوای رویا همیشه کم و بیش

1. J. H. Fichte  
3. Weygandt

2. L. Strumpell